

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفالی‌های ساسانی - اسلامی بیشاپور

مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش

مصیب امیری

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

دکتر سید مهدی موسوی کوهپر

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

دکتر فرهنگ خادمی ندوشن

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

(از ص ۱ تا ۳۲)

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۰۶

چکیده

کاوش‌های باستان‌شناختی شهر تاریخی بیشاپور از سال ۱۳۱۹ خورشیدی به همت بخش آسیایی موزه لوور آغاز شد و از آن به بعد به دست هیئت‌های ایرانی ادامه پیدا کرد. در دهه اخیر نیز طی دو فصل کاری در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ این کاوش‌ها ادامه یافت. فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور در خرداد ماه و تیرماه ۱۳۹۰ خورشیدی به سرپرستی مصیب امیری انجام شد که یافته‌های بسیار مهمی به دست آمد. از ویژگی‌های این کاوش می‌توان به رویکردی نوین در ساماندهی و مستند نگاری مواد فرهنگی حاصله از این کاوش‌ها اشاره کرد. کاوش این فصل در ارگ شاهی و در جنوب ایوان موزاییک انجام شد. مقاله حاضر به اهمیت سفال و طبقه‌بندی قطعات سفالینه به دست آمده از نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: بیشاپور، سفال، ساسانی، اسلامی، لعاب پاشیده، سلاودن.

مقدمه

یکی از اهداف پژوهش‌های باستان‌شناختی مطالعه تغییرات فرهنگی است و در این باره بررسی و تجزیه و تحلیل فرهنگ مادی گذشته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Grant et al, 2005). معمولاً فرض بر این است که تغییرات فرهنگی در مواد باستان‌شناختی نمود پیدا می‌کنند (دارک، ۱۳۸۷). انسان‌ها از آن زمان که به فکر ذخیره آب و غذا افتادند و به خاصیت چسبندگی و شکل‌گیری گل رُس پی بردند، ظرف‌های سفالی را به شکل‌های گوناگون ساختند. با گذشت زمان و گسترش زندگی در ابعاد مختلف، سفالگری هم تکامل یافت (قره داغی قرقشه، ۱۳۸۳). انسان‌های آفریننده، با دست‌هایشان بر ظرف‌های گلی نقش و نگارهایی کشیدند و آن‌ها را با رنگ‌های گوناگون آراستند. رفته رفته سفال، بخش جدا ناپذیری از زندگی انسان‌ها شد و اشکال و نقوش آن، بازتاب باورها نسبت به جهان پیرامونش را داشت. امروزه پژوهشگران، سفال را به عنوان بخشی از فرهنگ انسانی می‌شناسند و تلاش می‌کنند تا با تجزیه و تحلیل‌های مختلف، به سر نخ‌هایی از اوضاع اجتماعی و اقتصادی در گذشته دست یابند و پاسخ بسیاری از پرسش‌هایی چون رابطه سفال با وضعیت طبقات بلند مرتبه و پست مرتبه جامعه، چگونگی شرایط اجتماعی برای ترقی (آزاد بودن برای هر نوع تغییر) یا محافظه‌کار بودن (علاقه‌مند بودن به تداوم سنت)، یا هر دو و نیز چگونگی ارتباط با جهان خارج و میزان تبادل هنر و صنعت و وضعیت خانواده و اصناف را بازسازی کرد (دارک، ۱۳۸۷).

تاریخچه کوتاه کاوش‌های شهر تاریخی بیشاپور

فصل اول از نخستین مرحله عملیات کاوش در شهر بیشاپور، توسط ژرژ سال، در سال ۱۳۱۹ خورشیدی به انجام رسید (گریشمن، ۱۳۷۹). گریشمن نیز بخش وسیعی از محوطه ارگ شاهی را کاوش نمود و در نتیجه یافته‌های مهمی را کشف کرد و قسمت زیادی از آن‌ها را با خود به موزه لوور انتقال داد. کاوش علی‌اکبر سرفراز در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، سرآغازی شد برای شروع مرحله دوم کاوش‌های باستان‌شناختی در شهر تاریخی بیشاپور که پس از گذشت حدود سی سال از مرحله نخست، انجام می‌شد. در فصل کاری ۱۳۴۸، جهانگیر یاسی، سرپرستی گروه باستان‌شناسی بیشاپور را در غیاب ایشان بر عهده داشت و از سال ۱۳۴۹، کاوش باستان‌شناسی محوطه بیشاپور، بار دیگر توسط سرفراز پی‌گیری شد (مهریار، ۱۳۷۸). پس از این مرحله از مطالعات باستان‌شناسی در بیشاپور، از سال ۱۳۵۳، در چند فصل عملیات مرمتی بناهای تاریخی کاوش شده انجام شد؛ همچنین در خلال این فعالیت‌ها در بیشاپور، طرح نجات‌بخشی و آزاد سازی نقش برجسته‌های تنگ چوگان، به همت سرفراز اجرا شد (سرفراز، ۱۳۶۶). در مرحله سوم کاوش محوطه بیشاپور (سال ۱۳۷۴ خورشیدی)، مطالعات باستان‌شناسی این محوطه در برنامه سازمان میراث فرهنگی کشور قرار گرفت و شهر بیشاپور، در ردیف پروژه‌های بزرگ این سازمان جای گرفت. مقدمات کار فعالیت‌های پژوهشی، به ویژه کاوش

باستان‌شناسی در این شهر تاریخی، توسط زنده یاد محمد مهریار فراهم شد^۱. در سال ۱۳۷۴، به همت زنده‌یاد مهریار، با کاوش در دارالاماره، کاوش‌های باستان‌شناختی در شهر تاریخی بیشاپور از سر گرفته شد سپس نوروزی در سال ۱۳۸۰ و در ادامه، مرحله سوم فعالیت‌های باستان‌شناختی محوطه بیشاپور در سال ۱۳۸۳، یک فصل از کاوش‌های باستان‌شناختی این محوطه، به سرپرستی ناصر چگینی انجام پذیرفت. در سال ۱۳۸۸ نیز مصیب امیری، به مدت ۲ ماه اقدام به کاوش نمود. کاوش‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۸۸، با اهداف آزاد سازی حریم کاخ والرین، تعریف مسیر گردشگری محوطه ارگ شاهی، خوانا سازی، مرمت و حفاظت فضاهای معماری این محوطه به انجام رسید.

فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور

شهر بیشاپور، با مساحتی در حدود ۱۵۵ هکتار چنان وسعتی دارد که انجام یک کاوش گسترده در این محوطه، برای کوتاه مدت ناممکن شده است (تصویر ۱). از این رو است که بعد از انقلاب تا کنون، ۹ فصل کاوش در این شهر تاریخی انجام شده است. برنامه کاوش فصل نهم، از تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱، در ارگ شاهی و جنوب ایوان موزاییک انجام شد^۲ و تا تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۵ به طول انجامید^۳. اهداف فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور عبارت بود از:

- الف- خوانا سازی و سامان‌دهی بنای ایوان موزاییک و پیرامون آن؛
- ب- تکمیل نقشه آثار معماری بنای ایوان موزاییک؛
- پ- تکمیل اطلاعات تاریخی بنای ایوان موزاییک؛
- ت- چگونگی دسترسی فضاهای پیرامونی به ایوان موزاییک؛
- ث- فراهم کردن زمینه لازم برای کاوش‌های آتی فضاهای ضلع شرقی ایوان موزاییک؛
- ج- بررسی تحولات و الحاقات فضاهای پیرامونی ایوان موزاییک در دوران اسلامی؛
- چ- سامان‌دهی و پاک‌سازی حیاط بزرگ جنوبی ایوان موزاییک؛
- ح- سامان‌دهی و پاک‌سازی محوطه پیرامونی، به ویژه پاک‌سازی محوطه از خاک انباشت‌های کاوش‌های پیشین.

۱. در این مرحله، ضمن رسیدگی و برنامه‌ریزی برای آغاز فعالیت‌های اجرایی، بر اساس ضرورت توجه به سوابق آثار معماری و شهر سازی محوطه بیشاپور، به ویژه فعالیت‌های باستان‌شناسی پیشین، به جمع‌آوری متن کتاب‌ها، مقاله‌ها و مدارک مرتبط با گذشته بیشاپور پرداخته شد و بر اساس نیاز و با رعایت اولویت، ترجمه دو کتاب به نام‌های «بیشاپور» و «موزاییک‌های ساسانی»، در برنامه کار قرار گرفت.

۲. این بنا، نمونه‌ای از شاهکارهای هنر معماری و سمبل زیبایی در دوره ساسانی است که مشرف به حیاطی مستطیل شکل است و قریب به ۲۳ متر طول و ۲۰ متر عرض دارد (سرفراز، ۱۳۶۶). علاوه بر ستون‌های تزئینی، خود حیاط نیز با موزاییک‌های منقوش به شکل گل و گیاه و تصاویر زنان و مردان آراسته بوده است. (گریشمن، ۱۳۷۹) کف ایوان‌ها، با یک نوع قالب موزاییکی با طرح و نقوش گیاهی و انسانی فرش می‌شده که امروزه قطعاتی از آن در موزه لوور و موزه بیشاپور وجود دارد.

۳. جا دارد از اعضای هیات نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، سیروس برفی، معاون هیات؛ محمدرضا معینی، مدیر داخلی پایگاه بیشاپور؛ عنایت جوکار، مسئول یگان حفاظت؛ سید مصطفی موسوی، بتول خسروی، رضا محمودی، پارسا قاسمی و دیگر دوستان که صمیمانه در این فصل کاوش ما را یاری نمودند، تشکر و سپاس‌گزاری کنیم.

در این فصل، کاوش ابتدا با ۱۰ ترانشه ۱۰ × ۱۰ متر آغاز و بنا به ضرورت کاوش و پی‌گیری دیواره‌های سازه‌های کشف شده، تعداد این ترانشه‌ها به ۳۲ ترانشه افزایش یافت^۱ (تصویر ۲).

آثار معماری به دست آمده از فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور، معرف دو دوره فرهنگی - تاریخی ساسانی و اسلامی است. آثار هر دوره، به دو دوره کوتاه‌تر نیز تقسیم می‌شوند. این دوره و مرحله‌ها عبارتند از: نیمه نخست زمام‌داری ساسانیان، به ویژه معاصر با شاهپور یکم و نیز دوره دوم، شامل نیمه دوم دوره ساسانی، به ویژه از زمان نرسه تا طلوع اسلام و پایان کار ساسانیان؛ دوره اسلامی نیز به قرون اولیه تا حداکثر قرن پنجم و دوره متأخر تقسیم می‌شوند. شایان ذکر است که در هر کدام از این چهار مرحله، ما شاهد تغییرات زیادی هستیم که البته نسبت به مدت زمانی در حدود ۲۵۰ سال، تعجب بر انگیز نیست.

مهم‌ترین آثار معماری به دست آمده عبارتند از: راهروهای ضلع جنوبی ایوان موزاییک و اتاق‌های همراه با طاقچه‌های گچ‌بری که بعضاً با رنگ قرمز از جنس گل آخرا نقاشی و تزیین شده‌اند. این نمونه نقاشی‌ها در کاوش‌های گذشته از تالار تشریفات به دست آمده بود؛ اما تزیینات نقاشی این طاقچه‌ها متفاوت‌تر است و زیبایی خاصی به آن داده است. مهم‌ترین اشیای به دست آمده از کاوش نیز عبارتند از: سه قطعه پیکره انسانی مرد از جنس سنگ مرمر مرغوب که برای نخستین بار در این مجموعه کشف شده و از دیدگاه سبک‌شناسی، طبیعت‌گرایانه یا رئالیستی و از هنر پیکره‌تراشی یونان و روم تأثیر بسیار بالایی پذیرفته است. همچنین، یک قطعه پیکره زن که جنس سنگ مرمر آن از نوع مرمر نامرغوب است نیز یافت شد. قطعات فلزی از دیگر یافته‌هایی بود که در فصل نهم کاوش بیشاپور آمار قابل توجهی از یافته‌های باستان‌شناختی را شامل می‌شد. یافته‌های فلزی به دست آمده، به ترتیب فراوانی آن از جنس فلزات آهن، مس و نقره است. دو سر پیکان فلزی، تیغه خنجر و تیغه کارد، گل میخ‌های تزیینی، چفت و بست درهای چوبی، گلوله‌های درون زنگوله، میخ‌های کوچک و میخ‌های بزرگ (میخ طویله)، همگی از جنس آهن هستند. در میان این قطعات، سر باره آهن هم دیده شده است. یافته‌های مسی، بعد از قطعات آهن بیشترین یافته‌های این فصل هستند. قطعات مسی به دست آمده، شامل سکه‌های مسی، تراشه‌های مسی، شیء مسی شبیه به قاشق، زنگوله، شیء شبیه به قوطی واکس کفش، قطعات سر باره، حلقه‌های مسی و انگشتری است.

اشیای سنگی به دست آمده، از لحاظ کاربردی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست، سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی که شامل سنگ‌های عقیق انگشتری و مهره گردن‌بند و همچنین، سنگ فیروزه هستند و دسته دوم، شامل سینی‌های روغن‌گیری، هاون‌ها (به زبان محلی، جُوقَن) و میزهای سنگی که در میان بومیان به خونک^۲ شهرت دارد. همچنین قطعات زیادی از ظروف شکسته شده شیشه‌ای، به همراه یک کوره

۱. ارتفاع خاک‌برداری برخی از ترانشه‌ها، به ۵ متر می‌رسد (ترانشه D5)؛ در این مرحله سنگ‌های لاشه حاصل از فرو ریختن آوار آسمانه فضاهای معماری، از خاک تفکیک شده و به صورت جداگانه از محوطه کارگاه به وسیله واگن و ریلی که بدین منظور کشیده شده بود، به بیرون انتقال می‌یافتند و خاک بعد از الک شدن و حصول اطمینان و نبودن یافته‌های باستان‌شناختی، به بیرون مجموعه باستانی شهر تاریخی بیشاپور منتقل می‌شد.

۲. خونک نام میزی است که برای پخت نان نازک محلی استفاده می‌شود و امروزه، این گونه میزها را از چوب می‌سازند.

شیشه، در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور به دست آمد. قطعات گچ‌بری، از دیگر یافته‌های این فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور بود. در همین فصل کاوش، قطعات زیادی از جوش کوره شیشه و قطعه‌ای از موزاییک به دست آمد. علاوه بر این یافته، چندین کوزه و خمره سفالی به ابعاد مختلف، از عمده‌ترین اشیای فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور محسوب می‌شود. در همین فصل کاوش، برای نخستین بار تمام قطعات سفال حاصل از حفاری جمع‌آوری، شستشو و طبقه‌بندی شده‌اند که مقاله پیش رو، حاصل طبقه‌بندی و مطالعه آن‌ها است.

طبقه‌بندی سفال‌ها

انجام کاوش‌ها و پژوهش‌های میدانی، به منظور مطالعه ساختار حیات بشری، در ادوار تاریخی، همواره با توجه به دست‌افزارها و ساخته‌های بشری همراه بوده است (فیگن، ۱۳۹۰). از این رو، مستند نگاری و شناخت گونه‌ای این داده‌ها، یکی از اصول فنی مطالعات باستان‌شناختی است (کامبخش فرد، ۱۳۹۰). فراوانی و تنوع سفال در محوطه‌های باستانی، این امکان را برای باستان‌شناسان ایجاد کرده تا از بهترین مدرک فرهنگی در شناخت اقوام و جوامع بهره‌برند؛ شاید برای یک باستان‌شناس، هیچ نمونه دیگری به این درجه از اهمیت نباشد و این شناخت، تنها با ثبت دقیق این اطلاعات تحقق می‌یابد که نیازمند توجه و دقت خاصی است (فیگن، ۱۳۹۰). در این کاوش، سفال‌ها در ابتدا گزارش نویسی شد و اطلاعات آن در فرم‌های مربوطه وارد؛ سپس طراحی و ترسیم فنی، گونه‌شناسی درونی و در نهایت، طبقه‌بندی گردید. اساس گونه‌شناسی سفال‌ها، بر نه متغیر استوار بود^۱.

۱. همان‌گونه که ذکر شد، به منظور ثبت و ضبط داده‌ها و اطلاعات سفالینه‌ها، از فرم‌هایی بهره‌برده شد که اطلاعات و داده‌های ارایه شده، با توجه به این متغیرهاست (کامبخش فرد، ۱۳۸۹). این متغیرها، بعضاً به صورت قراردادی وضع شد که در ادامه، به معرفی این متغیرها می‌پردازیم.

نوع قطعه: منظور از آن، شکل قطعات ظروف سفالی است؛ به طور مثال لبه، بدنه، کف و ...
نوع ساخت: منظور این است که قطعات سفال، با کدام یک از شیوه‌های ساخت سه‌گانه ظروف (دست ساز، چرخ ساز و یا قالبی) ساخته شده است.

مواد چسبنده: تشخیص دقیق مواد به کار رفته (تمپر) در ساخت، سفال مستلزم آزمایش‌های فیزیکی است؛ بدین دلیل از اصطلاح مواد گیاهی، به جای عبارت کاه و علف؛ مواد کانی، به جای استفاده از عبارت‌های شن، شن ریزه و ماسه و اصطلاح مواد ترکیبی، برای مخلوط شن و کاه خرده شده استفاده شد.

کیفیت ساخت: گزینه‌های این بخش، گزینه‌هایی قراردادی بودند؛ به طوری که گزینه بسیار ظریف، برای سفال‌هایی به کار می‌رفت که سطوح آن دارای صیقل و بدنه آن‌ها ضخامتی به طور میانگین، ۵ میلی‌متر یا کمتر از یک سانتی‌متر داشت؛ گزینه ظریف، برای سفال‌هایی به کار می‌رفت که سطح آن‌ها صاف و هموار و ضخامتی بین یک تا دو سانتی‌متر داشت؛ گزینه متوسط، برای سفال‌هایی به کار می‌رفت که سطح آن‌ها فاقد صیقل و ضخامتی حدود سه تا چهار سانتی‌متر داشتند و گزینه خشن و بسیار خشن، برای سفال‌هایی که فاقد موارد یاد شده بودند و ضخامتی بیش از موارد مذکور داشتند، استفاده می‌شد.

رنگ خمیره: با توجه به این موضوع که برای شناسایی رنگ خمیره سفال‌ها، باید از جدول مانسل بهره‌برد و از آن رو که این جدول در دسترس نبود، شناسایی و معرفی رنگ خمیره سفال‌ها در یک چهارچوب معین و ثابت امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین از عنوان رنگ‌های خاص پرهیز شد و تنها رنگ‌های شاخص معرفی شد.

مجموعه سفالی مورد مطالعه:

محوطه شهر تاریخی بیشاپور در زمان شاهپور یکم ساسانی پایه‌گذاری شده و تا متروک شدن این شهر در قرن پنجم هجری، تقریباً هزار سال زندگی در آن ساری و جاری بوده است (مهریار، ۱۳۷۸). اگر چه ستون‌های یادبود که کتیبه تاریخ ساخت شهر را روی خود دارد، در مرکز شهری قرار گرفته که بر اساس یک طرح شطرنجی بنا شده بود؛ اما در دوره ساسانی، عمده بناها و هسته اصلی شهر در شرق و بخشی که ما به ارگ شاهی می‌شناسیم قرار داشت (گریشمن، ۱۳۷۹). در دوره اسلامی، رفته رفته شهر به سوی جنوب و جنوب غرب وسعت یافت (نوروزی، ۱۳۸۴). از آن رو که نهمین فصل کاوش، در بخش ارگ شاهی و جنوب ایوان موزاییک انجام شده، انتظار می‌رفت درصد سفالینه‌های ساسانی، بیش از سفالینه‌های دوره اسلامی باشد؛ اما پس از کاوش و مطالعه سفالینه‌ها مشخص شد که سفالینه‌های به دست آمده از دوره اسلامی، بسیار بیشتر از سفالینه‌های متعلق به دوره ساسانی بود. سفالینه‌ها، ابتدا در کیسه‌های سفال با اتیکت مربوط به شماره ترانسه، تاریخ روز کاوش، عمق ترانسه و شماره لایه باستان‌شناختی برای شست و شو، به پایگاه پژوهشی بیشاپور منتقل و پس از آن با توجه به اطلاعات هر کیسه، برای طبقه‌بندی نوع قطعه و تشخیص دوره، به زمین سفال منتقل می‌شد (تصویر ۳). در کل در این فصل کاوش، ۷۳۸۴ قطعه سفال به دست آمد که پس از مطالعه و ریخت‌شناسی آنها، ۳۵ درصد متعلق به دوره ساسانی، ۴۹ درصد متعلق به دوره اسلامی و ۱۶ درصد هم دارای ویژگی خاصی نبود و مشخص نشد به چه دوره‌ای تعلق دارد (تصویر ۴).

طبقه‌بندی سفال‌های دوره ساسانی

در میان شش ظرف سفالی نسبتاً سالمی که در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور به دست آمده، دو ظرف متعلق به دوره ساسانی است. این دو ظرف سفالی، از لایه‌های ساسانی به دست آمد و یکی از آنها، دقیقاً روی اندود گچ کف یک اتاق که متعلق است به دوره ساسانی، در ترانسه شماره D5 به دست آمد (تصویر ۵). این ظرف سفالی، کوزه‌ای با ارتفاع ۴۳ سانتی‌متر، قطر دهانه ۱۵ سانتی‌متر و رنگ خمیره نخودی با پوششی به رنگ زرد مایل به سبز است که مواد چسبنده آن را مواد کانی تشکیل می‌دهند. روی این کوزه، هیچ نقشی

پوشش: منظور از پوشش، هر نوع فعالیتی است که سفالگر، پس از ساخت ظرف سفالی بر سطح آن انجام می‌دهد. این نوع پوشش‌ها، از محلول گل بوده و شامل انواع پوشش (رقیق و غلیظ) است که گاهی رنگ نیز در تهیه این پوشش‌ها استفاده می‌شده است. تزئین: منظور از تزئین، انواع مختلف آرایش ظروف سفالین است که در انواعی چون نقش‌کنده، نقش‌افزوده، نقش برجسته، نقاشی ریز لعاب، استامپی، داغ‌دار، لعاب پاشیده، نقش‌کننده ریز لعاب و... روی ظروف ایجاد و گاهی به کارگیری رنگ نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود. نوع پخت: منظور از نوع پخت، میزان و درجه حرارتی است که سفال در کوره، هنگام پخت دیده است که به صورت قراردادی، سفال‌هایی که خمیره آن‌ها سیاه، یا خاکستری و یا دو رنگ شده بود، با گزینه ناکافی و بقیه با گزینه کافی معرفی شدند. لعاب: منظور از این واژه (لعاب)، پوشش‌های شیشه‌گونه است که در نتیجه ذوب اکسیدهای فلزاتی چون آلومینیم و کلسیم، به همراه سیلیکات، روی ظروف سفالی به وجود می‌آید.

وجود ندارد و یک دسته دارد که پهنای آن ۵ سانتی‌متر و بالای آن به لبه کوزه و پایین آن به بدنه شکمی کوزه متصل است. کف این کوزه، از نمونه کف تخت است و لبه آن از نمونه لبه گرد فرمت شماره یک است. یکی دیگر از این ظروف سفالی، خمره‌ای بزرگ با ارتفاع ۸۶ سانتی‌متر، قطر دهانه ۲۷ سانتی‌متر و رنگ خمیره خاکستری مایل به سبز، با پوششی به رنگ زرد مایل به خاکستری است که مواد چسبنده آن را مواد کانی تشکیل می‌دهند (تصویر ۶). روی این خمره را به دلیل بزرگی نقش‌افزوده طنابی شکل و موج به دور بخش شکمی ظرف، استحکام بیشتری داده‌اند. بالا و پایین این نقش‌افزوده طنابی شکل، دو نوار به صورت نقش‌افزوده، آن را محدود می‌کنند که روی این نوارها، در فاصله حدود ده سانتی‌متری، برای ایجاد سایه و روشن و تزیین بیشتر، با انگشت فرورفتگی ایجاد کرده‌اند. کف این خمره، از نمونه کف تخت است و لبه آن از نمونه لبه برگشته فرمت شماره یک. این خمره، در یک طاقچه و در یک اتاق متعلق به دوره ساسانی قرار داشت که در ترانسه شماره D4 واقع شده است. در میان سفالینه‌های دوره ساسانی به دست آمده از این فصل کاوش، قطعات متعلق به خمره‌های بزرگ که بیشتر برای ذخیره و نگهداری آب و غلات مورد استفاده بوده است، قطعات کمی به دست آمد. کیفیت سفالینه‌های دوره ساسانی، نسبتاً خشن است. پس از سقوط دولت ساسانی و ورود مسلمانان به ایران، تولید سفال با تکنیک ساسانی، همچنان تا سده‌های اولیه هجری (به احتمال زیاد، سده ۳ هـ.ق) تداوم داشت (توحیدی، ۱۳۸۹). سفالینه‌های دوره ساسانی به دست آمده از نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور را هفتاد درصد بدنه ظروف سفالی، هفده درصد کف، دوازده درصد لبه و یک درصد دسته ظروف تشکیل می‌دهند (تصویر ۷).

کیفیت سفالینه‌های ساسانی نیز همانند دوره اشکانی نسبتاً خشن بوده و سنگینی محسوسی در آن ملاحظه می‌شود. در این دوره خلاف دوره اشکانی، از تنوع سفال لبه دوپل کاسته می‌شود؛ به گونه‌ای که به جز موارد نادر، سفال لبه دوپل در دوره ساسانی، به مرور زمان از رواج می‌افتد. در مجموع، سفال ساسانی نیز همانند سفال اشکانی، محلی و منطقه‌ای است. تجارت و راه‌های بازرگانی، در توزیع سفالینه‌های محلی این دوره تأثیر فزاینده‌ای داشته است (Kenet, 2002). ما سفالینه‌هایی را می‌شناسیم که خاص جنوب ایران بوده و در مناطق شمالی رواج نداشته‌اند (کامبخش فرد، ۱۳۸۹). اما از آن جهت که وضعیت سیاسی در دوره ساسانی (حکومت یکپارچه)، مانند دوره اشکانی (حکومت ملوک طوایفی) نیست؛ از این رو تفاوت‌ها در مواد فرهنگی دوره ساسانی، از جمله سفالینه‌ها، بسیار کمتر از دوره اشکانی است (هول، ۱۳۸۱). به علت رواج فلزگری و ساخت ظروف فلزی در عصر ساسانی، فن سفال‌گری در این دوره پیشرفت شایانی نداشت (کامبخش فرد، ۱۳۸۹). سفال ساسانی از نظر باستان‌شناسانی که در محوطه‌های مختلف کار کرده‌اند، در مقوله مهمی جای نگرفته و معمولاً به توصیف کلی از آن اکتفا کرده‌اند (Boucharlat, 1991: 304).

به طور کلی دانسته‌های ما درباره سفال ساسانی اندک است و این کاستی سبب می‌شود به رغم حجم عظیم سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه‌هایی که به این دوره تعلق دارند، نتوان از سفال ساسانی برای تعیین تولی زمانی مراحل مختلف محوطه‌های مسکونی این دوره بهره گرفت (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۷۴).

با توجه به سفال‌های یافت شده کاوش‌های محوطه‌های ساسانی در مناطق مختلف ایران می‌توان هفت منطقه فرهنگی مشخص کرد که عبارتند از: ۱- ناحیه جنوب غربی ایران، ۲- ناحیه غرب و شمال غربی ایران، ۳- شمال ایران، ۴- شمال شرقی ایران، ۵- جنوب شرقی ایران و ناحیه ساحلی، ۷- جنوب ایران (Boucharlat, 1991: 306).

ادوارد کیل در کاوش‌های خود در غرب ایران، سفال‌های متنوعی از دوره ساسانی معرفی نموده است (Keall, 1981: 31-84).

مهم‌ترین مکان‌های دارای سفال ساسانی در جنوب ایران قصر ابونصر، شهر گور و ملیان است. در ملیان سفال‌های متعددی از اوایل دوره ساسانی و یک کوره سفالگری یافت شده که در بین سفال‌ها، تگارهایی با دهانه باز لبه‌های ضخیم و تخت بسیار چشمگیر است (Alden, 1978: 153).

در حفاری‌های قصر ابونصر نیز سه دوره سفال ساسانی شناسایی شده که ویت‌کام آنها را به سه گروه؛ ظروف کرم مایل به سبز با تزئینات شانه‌ای، ظروف خاکستری تیره و ظروف نخودی با تزئینات حکاکی روی شانه‌ها تقسیم بندی نموده است (Whitcomb, 1984: 10-234).

سفال‌های یافت شده از حاجی آباد داراب شامل بشقاب، کاسه، دیگ، پارچ، بطری و پایه هستند و تزئینات آنها شامل تفرش برجسته، نقوش حکاکی در شکل‌های مختلف، نقوش کنده و برجسته به شکل ترکیبی هستند. گروه دیگر سفال‌های این محوطه دارای لعاب به رنگ‌های آبی و سبز است (Azarnoush, 1994: 187). در سوهار در حوزه خلیج فارس نیز سبوهایی با لبه‌های نوار دار، کاسه‌های بزرگ با بدنه‌های محدب و لبه‌های ضخیم و زاویه دار از دوره ساسانی یافت شده است (Decardi, 1972: 9-75).

در کوش در ۷۰ کیلومتری ساحل رأس الخیمه در جنوب تنگه هرمز نیز سفال‌های شاخص از دوره ساسانی یافت شده که مهم‌ترین آنها را سبوهای حمل مایعات یا سبوهای اژدری به رنگ کرم تشکیل می‌دهند (Kenet, 2002: 154).

در تل ابو شریفه نیز سفال‌هایی از دوره ساسانی یافت شده که داری تنوع نقوش تزئینی زیادی است که عبارتند از نقوش استامپی به شکل لوتوس، دایره‌های تو در تو، چلیپای درون دایره، انواع تزئینات شانه‌ای و بیضی‌های کنده نقوش افزوده طنابی شکل هستند (Adams, 1970: 55). در شمال بین‌النهرین نیز سفال‌هایی از دوره ساسانی به دست آمده که شاخص‌ترین آنها سفال‌های دنده‌ای لعاب‌دار است. غالب نمونه‌های به دست آمده از این محوطه تنگ‌های دسته دار است (Ricciardi, 1970: 428-435).

طبقه‌بندی سفال‌های دوره اسلامی

در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور، سه ظرف سفالی نسبتاً سالم متعلق به دوره اسلامی به دست آمد. نخستین ظرف سفالی، یک کوزه است که روی اندود گچ کف یک اتاق که متعلق است به دوره ساسانی، در ترانسه شماره D3 به دست آمد (تصویر ۸). این ظرف سفالی، کوزه‌ای با ارتفاع ۲۴ سانتی‌متر، قطر دهانه ۳ سانتی‌متر و رنگ خمیره نخودی با پوششی به رنگ زرد مایل به شیری است که مواد چسبنده آن را مواد کانی تشکیل می‌دهند. روی این کوزه، شیارهای مواج موازی است که به صورت نقش کنده، روی بخش بالایی ظرف مشاهده می‌شود و دو دسته دارد که به صورت متقابل، روی گردن ظرف ایجاد شده است. پهنای هر کدام از این دسته‌ها که در زمان کشف تنها یکی از آن‌ها باقی بود، دو سانتی‌متر است. بعد از انتقال این شیء به بخش مرمت، دسته دیگر این کوزه بازسازی شد. کف این کوزه، از نمونه کف تخت است و لبه این ظرف، شکسته است؛ اما بر اساس ریخت‌شناسی این گونه کوزه‌ها که قطعات شکسته نمونه‌های مشابه آن در این فصل کاوش بسیار به دست آمده است، باید شبیه به سر قلیان باشد. به نظر می‌رسد که این کوزه سفالی، به دوره اسلامی متأخر تعلق داشته باشد. گرچه این کوزه روی کف گچی دوره ساسانی قرار داشت؛ اما در کل ترانسه D3 حجم کمی از خاک داشت و خاک‌های درون این ترانسه، بسیار مضطرب و به هم ریخته بود. ظرف سفالی دیگر، کوزه‌ای کوچک است که در کنار یک دیوار یافت شد که در دوره اسلامی متأخر و روی دیوار ساسانی ایجاد شده بود (تصویر ۹). این دیوار، در ترانسه شماره D6 و کوزه، درون کوزه سفالی بزرگ‌تر قرار داشت که آن کوزه به دلیل این که نزدیک به لایه سطحی ترانسه بود، بر اثر فشارهای سطحی شکسته بود. این ظرف سفالی، کوزه‌ای با ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر، قطر دهانه ۶ سانتی‌متر و رنگ خمیره نخودی با پوششی به رنگ زرد مایل به سبز است که مواد چسبنده آن را مواد کانی تشکیل می‌دهند. روی دور تا دور این کوزه، خطوطی عمودی با زائیده‌هایی شانه‌ای شکل، نقاشی شده است. این نقوش، به رنگ قرمز و رنگ آن احتمالاً با استفاده از گل اخرا تهیه شده است. این ظرف نیز دو دسته به شکل L که از بالا به پایین معکوس شود، دارد که در هنگام کاوش، تنها یک دسته داشت. دسته، با مقطع دایره‌ای شکل به قطر ۱/۵ سانتی‌متر و بالای آن به لبه کوزه و پایین آن به بدنه شکمی کوزه متصل است. کف این کوزه، از نمونه کف تخت است و لبه آن از نمونه لبه کج است. ظرف سفالی دیگر که بخش گردن به بالای آن شکسته است، از ترانسه شماره E7 به دست آمد (تصویر ۱۰). این ظرف سفالی، کوزه‌ای با ارتفاع ۲۷ سانتی‌متر (ارتفاع تا بخش شکسته شده) و رنگ خمیره نخودی با پوششی به رنگ زرد مایل به قرمز است که سفال در یک طرف آن به دلیل یکنواخت نبودن حرارت درون کوره، به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای درآمده است. مواد چسبنده آن را مواد کانی تشکیل می‌دهند. روی این کوزه در بخش بالایی بدنه شکمی ظرف، دو شیار به روش نقش کنده ایجاد شده است. کوزه، دو دسته دارد که به صورت متقابل قرار گرفته‌اند. هر کدام از این دسته‌ها که پهنای آن ۲ سانتی‌متر است، به بخش بالایی کوزه متصل است. کف این کوزه، از نمونه کف تخت است. در مجموعه ظروف تقریباً سالمی که در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور به دست آمده، یک ظرف سفالی کوچک نیز به دست آمد که به احتمال قریب

به یقین، جای جوهر یا جای دوات است (تصویر ۱۱). این ظرف سفالی که در لایه‌های متعلق به قرون نخستین اسلامی کشف شد، با ارتفاع ۴/۵ سانتی‌متر، قطر دهانه ۵ سانتی‌متر و رنگ خمیره نخودی با لعابی سبز رنگ است که مواد چسبنده آن را مواد کانی تشکیل می‌دهند. کف این ظرف، از نمونه کف تخت است و لبه آن از نمونه لبه زاویه‌دار. سفالینه‌های دوره اسلامی به دست آمده از نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور را پنجاه و چهار درصد بدنه ظروف سفالی، بیست و سه درصد کف، بیست درصد لبه، دو درصد دسته و یک درصد درپوش ظروف تشکیل می‌دهند.

ویلیکینسون، به تمرکز باستان‌شناسان دوره اسلامی در ایران بر معماری و تاریخ هنر اشاره دارد (Wilkinson, 1971) و از این رو، باستان‌شناسی اسلامی در ایران توسعه چندانی پیدا نکرده است. نخستین بار که به لایه‌های اسلامی توجه شد، در حفاریات باستان‌شناختی در لایه‌های اسلامی شوش در سال ۱۹۲۸ توسط کوچلین منتشر شد؛ اما این نوشتاری برتر از داده‌های توصیفی نبود و شکل انتشار داده‌های باستان‌شناختی، به همین شکل توصیفی باقی مانده است. تنها در چند محوطه، کار کاوش در لایه‌های اسلامی به خوبی انجام شده که متأسفانه گزارش کاملی از آنها، تا به امروز منتشر نشده است. بیشتر اطلاعات ما از قرون نخستین اسلامی، به ویژه دوره انتقالی از ساسانی به اسلامی، از محوطه‌هایی چون سیراف، نیشاپور، شوش و استخر است. از این رو، کاوش در شهر تاریخی بیشاپور می‌تواند پرسش‌های زیادی را از این جنبه پاسخ‌گو باشد.

ویژگی و جامعه آماری مجموعه

در این فصل، اشیاء سفالی به دست آمده که در کنار خمره‌های ذخیره آب و غذا، کوزه‌های آب، کاسه‌ها، بشقاب‌ها و لیوان‌ها که در ارتباط با ظروف آب و غذا بودند، می‌توان به پی‌سوزها و دوک‌ها اشاره کرد. تعداد سفالینه‌هایی که بخش کف ظرف را تشکیل می‌دهند، در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور، از نظر تعداد بعد از بدنه قرار می‌گیرند. تعداد کل کف ظروف، ۱۴۰۷ قطعه بود که این تعداد شانزده درصد کل سفالینه‌ها است. قطعات کف به دست آمده به شش گروه کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کف با پایه تخت، کف با زاویه داخلی، کف پایه‌دار، کف تخت، کف دوره‌گذار و کف قائم (تصویر ۱۲). بیشتر سفالینه‌هایی که در گروه کف با پایه تخت، کف پایه‌دار، کف تخت و کف دوره‌گذار قرار داشتند، متعلق به دوره ساسانی بودند. تقریباً همه کاسه‌هایی که لعاب پاشیده و یا لعاب سفید رنگ قرون نخستین اسلامی دارند، دارای کف پایه‌دار و کف با پایه تخت هستند. کف با پایه تخت، ۲۲ درصد؛ کف با زاویه داخلی، ۶ درصد؛ کف پایه‌دار، ۳۱ درصد؛ کف تخت، ۲۲ درصد؛ کف دوره‌گذار، ۱۲ درصد و کف قائم، ۷ درصد کل سفالینه‌هایی را تشکیل می‌دهند که در گروه کف قرار دارند (تصویر ۱۳).

تعداد سفالینه‌هایی که بخش لبه ظرف را تشکیل می‌دهند، در این فصل، از نظر تعداد در مقام سوم (بعد از بدنه و کف) قرار می‌گیرند. تعداد کل این سفالینه‌ها، ۱۱۸۳ قطعه بود که این تعداد، چهارده درصد کل سفالینه‌ها است. قطعات لبه به دست آمده، به بیست گروه کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: لبه برگشته (گروه لبه برگشته، خود به سه گروه کوچک‌تر تقسیم می‌شود)، لبه کج، لبه دندان‌دار (گروه لبه دندان‌دار، خود به دو گروه کوچک‌تر تقسیم می‌شود)، لبه گرد (گروه لبه گرد، خود به دو گروه کوچک‌تر تقسیم می‌شود)، لبه راست، لبه شیاردار، لبه زاویه‌دار، لبه چهارگوش، لبه خمیده، لبه با زائیده داخلی، لبه تخت زاویه‌دار، لبه تخت خمیده، لبه تخت (گروه لبه تخت که خود به دو گروه کوچک‌تر تقسیم می‌شود)، لبه راست پهن و گروه لبه‌های متفرقه که شامل لبه‌هایی است که در هیچ یک از گروه‌ها جای نمی‌گیرد (تصویر ۱۴). لبه برگشته (فرمت ۱)، ۹ درصد؛ لبه برگشته (فرمت ۲)، ۵ درصد؛ لبه برگشته (فرمت ۳)، ۶ درصد؛ لبه کج، ۹ درصد؛ لبه دندان‌دار (فرمت ۱)، ۲ درصد؛ لبه دندان‌دار (فرمت ۲)، ۶ درصد؛ لبه گرد (فرمت ۱)، ۳ درصد؛ لبه گرد (فرمت ۲)، ۴ درصد؛ لبه راست، ۴ درصد؛ لبه شیاردار، ۷ درصد؛ لبه زاویه‌دار، ۶ درصد؛ لبه چهارگوش، ۸ درصد؛ لبه خمیده، ۱۵ درصد؛ لبه با زائیده داخلی، ۳ درصد؛ لبه تخت زاویه‌دار، ۴ درصد؛ لبه تخت خمیده، ۲ درصد؛ لبه تخت (فرمت ۱)، ۲ درصد؛ لبه تخت (فرمت ۲)، ۳ درصد؛ لبه راست پهن، یک درصد و لبه‌های متفرقه، یک درصد از کل قطعات سفالینه را تشکیل می‌دهند (تصویر ۱۵). لبه برگشته، لبه شیاردار، لبه زاویه‌دار، لبه گرد فرمت شماره یک و لبه گرد فرمت شماره دو، بیشتر متعلق به سفالینه‌های متعلق به دوره ساسانی هستند. همچنین لبه راست، لبه کج و لبه خمیده، بیشتر در سفالینه‌های متعلق به دوره اسلامی مشاهده می‌شود.

ظروف سفالی به شکل مجسمه یا حجم‌های ترکیبی نیز مشاهده می‌شود؛ یعنی علاوه بر حفظ کاربری ظروف سفالی، آن‌ها را به شکل مجسمه‌هایی از حیوانات یا حجم‌های ترکیبی، که نشان دهنده نوع نگرش آن‌ها به جهان هستی است، می‌ساختند (فیگن، ۱۳۹۰). گاهی هم مشاهده شده که بخشی از بدنه سفال را به شکل حیوان یا انسان می‌ساختند. یکی از دسته‌های سفالی که در این فصل از کاوش به دست آمد، به شکل یک حیوان بود و یک برجستگی، روی پوزه حیوان ایجاد شده که نشان دهد که این حیوان اهلی و دارای افسار است (تصویر ۱۶). براساس ریخت‌شناسی سر و همچنین گردن بلند، این حیوان اهلی احتمالاً شتر است. روی بدنه این قطعه سفالینه، به صورت حلقه‌هایی با خطوط بریده بریده به رنگ قرمز اخرايي نقاشی شده است. به احتمال فراوان، رنگ به کار برده شده از گل اخرا تهیه شده و بر اساس لایه‌ای که این سفالینه از آن به دست آمد و همچنین، مقایسه با سفالینه‌های محوطه‌هایی که دارای سفالینه‌های منقوش این چنینی هستند، احتمال می‌رود متعلق به دوره اسلامی متأخر (احتمالاً دوره صفوی) باشد.

درپوش‌های سفالین، از دیگر گروه‌های سفالینه به دست آمده در نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور هستند. همه این درپوش‌ها، به دوره متأخر اسلامی تعلق دارند. درپوش سفالی، از دوران پیش از تاریخ، برای جلوگیری از ورود موجودات، به ویژه موجودات مودی به درون ظرف‌های سفالی که حاوی ذخیره غلات بودند،

ساخته می‌شد؛ اما در این فصل، تمامی سرپوش‌ها برای دیگچه‌های سفالی ساخته شده است. سفالینه‌های این گروه، یک درصد از کل سفالینه‌های به دست آمده از فصل نهم کاوش را شامل می‌شود.

سفالینه‌هایی که در هیچ یک از گروه‌های بزرگ یاد شده (کف، لبه، دسته و درپوش) قرار ندارند، در گروه قطعات متعلق به بدنه ظرف سفالی جای می‌گیرند. گروه سفالینه‌های بدنه، بزرگترین گروه سفالینه‌های به دست آمده از فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور هستند. در مجموع، ۴۶۶۲ قطعه سفالینه بدنه در این فصل کاوش به دست آمد که این تعداد، ۶۳ درصد کل قطعات سفالینه نهمین فصل کاوش را شامل می‌شود. ۴۲ درصد سفالینه‌های بدنه، به دوره اسلامی و ۳۸ درصد سفالینه‌های بدنه، به دوره ساسانی تعلق دارند؛ اما ۲۰ درصد کل سفالینه‌های بدنه به دست آمده در این فصل کاوش، به دلیل نداشتن ویژگی شاخص دوره خاص، در گروه قطعات بدنه با دوره نامشخص جای می‌گیرند.

یکی از مهم‌ترین متغیرها در طبقه‌بندی سفالینه‌ها، داشتن لعاب یا نداشتن لعاب است. تولید سفال لعاب‌دار در دوره ساسانی، بیشتر در خوزستان و میان‌رودان رایج بود (خالدیان، ۱۳۸۷). این به این معنا نیست که تولید سفال لعاب‌دار در فارس، در دوره ساسانی وجود نداشته است (Kennet, 2002). در نهمین فصل کاوش در شهر تاریخی بیشاپور، قطعات قابل توجهی از سفال لعاب‌دار ساسانی و به ویژه، دوره گذار از ساسانی به اسلامی، به دست آمد. همه پژوهشگران، دوره اسلامی را دوره شکوفایی سفال‌های لعاب‌دار می‌دانند؛ اما سفال‌های لعاب‌دار، تنها بخش کوچکی از همه دست‌ساخته‌های سفالی دوره اسلامی است. این واقعیت، انکارناپذیر است که سفال‌های لعاب‌داری که امروزه تزئین‌کننده ویتترین‌های موزه‌ها هستند، در واقع برای قشر ثروتمند ساخته شده و تولید آن‌ها به دلیل پرکار بودن در وقت ساخت، بسیار محدود بوده است (فیگن، ۱۳۹۰). این پراکنش سفالینه لعاب‌دار نسبت به سفالینه بدون لعاب، در یافته‌های نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، کاملاً محسوس است؛ به این ترتیب که تنها ۱۹ درصد کل یافته‌های سفالی به دست آمده از کاوش، لعاب‌دار است و ۸۱ درصد باقی مانده، بدون لعاب است (تصویر ۱۷). انواع سفالینه‌های لعاب‌دار به دست آمده در فصل نهم کاوش عبارتند از: سفالینه‌های لعاب پاشیده که ۲۹ درصد کل سفالینه‌های لعاب‌دار را در بر می‌گیرد؛ سفالینه لعاب سفید رنگ یکنواخت، ۱۶ درصد؛ لعاب سبز رنگ یکنواخت، ۳۰ درصد؛ لعاب دو رنگ آبی فیروزه‌ای و سفید، ۶ درصد؛ لعاب زرد مایل به قهوه‌ای، ۴ درصد و لعاب آبی فیروزه‌ای یکنواخت، ۱۵ درصد (تصویر ۱۸).

سفالینه‌ها با لعاب پاشیده، خود به دو نوع لعاب پاشیده و سفالینه با لعاب پاشیده و نقش‌کننده تقسیم می‌شود (تصویر ۱۹). سفالینه‌های از نوع نخست، با لعاب گلی پوشش و سپس با لعاب سرب و رنگ‌هایی که از ترکیب اکسید فلزات تهیه می‌شده، به صورت لکه یا گاهی به صورت نقطه‌چین، روی ظروف را می‌پوشانده است (کیانی، ۱۳۷۷). تکنیک سفالینه‌های لعاب پاشیده، همزمان با دوره خلافت عباسیان، در سده‌های دوم و سوم هجری و در پی ارتباط با سرزمین چین، وارد ایران شد؛ اما رفته‌رفته ذوق و هنر ایرانی بر آن تأثیر گذاشت و تغییراتی در آن ایجاد کرد (کامبخش فرد، ۱۳۸۹). رنگ‌های پاشیده در ظروف ساخت چین، اغلب از

سه رنگ، سبز، آبی و زرد کهربایی استفاده می‌شده؛ ولی در ظروف پاشیده ساخت ایران، علاوه بر این سه رنگ، رنگ ارغوانی نیز به کار رفته است (کیانی، ۱۳۷۷). سفالینه‌های نوع دوم، از ابداعات سفالگران ایرانی بوده که توانستند بعد از گذشت زمانی کوتاه از تقلید نوع اول، به ساخت نوع دوم که تزئینی است با لعاب پاشیده و نقش‌کننده دست یابند (کامبخش فرد، ۱۳۸۹). در این نوع تزئین نقوش‌کننده، قبل از لعاب اصلی سطح ظرف را آرایش داده و سپس با لعاب اصلی پوشیده شده است. نقوش‌کننده، به طور عمومی شامل نقوش گیاهی، اسلیمی، خطوط پراکنده و به ندرت، نقش پرندگان است. خمیر سفالینه با لعاب پاشیده، اغلب به رنگ نخودی و قرمز بود و شکل ظروف، با کف حلقه‌ای، بدنه محدب و یا کشیده است (تصویر ۲۰). تعدادی قابل توجهی (۸ درصد) از سفال‌های بدون لعاب، با رنگ‌های قرمز و سیاه، با نقوش ساده خط‌های مواج، ساده و منقطع منقوش شده بودند (تصویر ۲۱). این گونه سفالینه‌های منقوش، از محوطه‌های سی‌سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد و مادآباد در نزدیکی تخت جمشید هم به دست آمده و به دوره اسلامی (سده‌های چهار تا دهم) و حداقل قدمت آن به دوره تیموری و صفویه باز می‌گردد. این سفال‌ها، در ادبیات باستان‌شناسی، به سفالینه‌های منقوش اسلامی جعلی یا به بیانی بهتر، شبه پیش از تاریخی شهرت یافته‌اند و دلیل آن هم به سبب تقلید سفالگران برای منقوش کردن سفال، مشابه نقوش سفالینه‌های پیش از تاریخ است.

از تحقیقات باستان‌شناسی سال‌های اخیر که در بسیاری از محوطه‌های اسلامی ایران، از شمال تا جنوب (آذربایجان - سیراف) انجام شده، نمونه‌های گوناگونی از سفالینه با نقش‌کننده به دست آمده که متعلق به اوایل اسلام تا قرن هفتم هجری است. در سده‌های نخستین اسلامی، نقش‌کننده شامل خطوط ساده و هندسی بوده که سفالینه‌های نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، در این گروه جای می‌گیرند (تصویر ۲۱).

یکی از تزئینات متداول سفالینه اوایل اسلام، نقوش‌کننده ساده است که روی ظروف لعاب‌دار به کار می‌رفته است. این نقوش ساده، شامل خطوط نامنظم و در هم بوده که روی بدنه داخلی ظروف تزئین شده و سپس، با لعاب‌هایی به رنگ‌های سبز و زرد پوشیده می‌شده است. رنگ‌هایی که در آرایش این گروه از سفال به کار می‌رود، به صورت عمومی سبز، زرد، قهوه‌ای و گاهی قرمز روشن است. سطح خارجی ظروف با نقش‌کننده، معمولاً بدون لعاب است و در مواردی، با لعاب سبز پوشانده می‌شود؛ اما بیشتر سفالینه‌های بدون لعاب که از فصل نهم کاوش به دست آمده است، دارای نقش افزوده هندسی و یا هر دو نقش افزوده و کنده در کنار هم، روی یک قطعه سفال بدون لعاب ظاهر می‌شود (تصویر ۲۲). گروه دیگر از نقوش سفالینه‌های به دست آمده از فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور، نقوش قالبی و استامپی هستند. این نقوش، به سه دسته هندسی، گیاهی و نوشتاری تقسیم می‌شوند (تصویر ۲۳). نقوش گیاهی، شامل گل‌های چهار گلبرگی است که توسط چهار ضلعی‌هایی محدود و در کنار هم قرار گرفته‌اند (تصویر ۲۴).

از دیگر یافته‌های سفالی نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، پی‌سوزها هستند. تعداد چهار پی‌سوز، در این فصل کاوش به دست آمده که از لحاظ ریخت‌شناسی با هم متفاوتند. نخستین نوع پی‌سوزها، به شکل یک مثلث متساوی‌الساقین است که ساق‌های متساوی آن انحنا محسوسی دارد (تصویر ۲۵). نوع دوم، مانند

یک کاسه دایره شکل با لبه کج است که برجستگی مخروطی شکلی در مرکز آن قرار گرفته است (تصویر ۲۶). نوع سوم، صفحه دایره‌ای، با حداکثر عمق دو سانتی‌متر در مرکز دایره است. این پی‌سوز که یک دسته دارد، با لعاب سفید رنگی پوشیده شده است (تصویر ۲۷). در این فصل کاوش، دو قطعه سفالینه به دست آمد که پس از شکسته شدن، کاربری دوباره‌ای یافته بود؛ از آن جهت که پس از شکسته شدن ظرف سفالی، در دوره‌ای متأخر، با تراشه‌برداری از اطراف قطعه بدنه، ابتدا محیط آن را نزدیک به شکل دایره کرده و سپس، مرکز آن را سوراخ کرده‌اند تا از این قطعه یک دوک نخ‌ریسی بسازند (تصویر ۲۸). شاید بتوان عنوان یکی از مهم‌ترین یافته سفالینه این فصل را به یک قطعه سفالینه زرین‌فام نسبت داد. این قطعه، بخشی از لبه یک بشقاب است (تصویر ۲۹). در میان یافته‌های نهمین فصل کاوش، قطعات یک بشقاب از جنس سلاگون، به رنگ خاکستری مایل به سبز از ترانسه D₈ به دست آمد که به دوره‌های متأخر اسلامی تعلق دارد (تصویر ۳۰). درون این بشقاب با خطوط پیچی، نقش گیاهی پر برگ و گل که یادآور باغی است، تزیین شده و در مرکز این نقوش، یک پرنده (احتمالاً بلبل) نقش شده است.

در انتها، بایستی بیان نمود که بخشی از یافته‌های سفالی این فصل کاوش، توسط کارشناسان مرمت و بازسازی شدند. این اشیاء، سپس برای بازدید عموم در ویتترین‌های موزه بیشاپور به نمایش درآمد^۱ (تصویر ۳۱). امید است کاوش‌های آینده پرسش‌های بیشتری از تاریخ این شهر را برای ما پاسخ دهد؛ به ویژه دوره گذر از ساسانی به اسلامی، که هنوز سرشار از پرسش‌های فراوان است.

برآیند

مطالعه و طبقه‌بندی سفالینه‌های به دست آمده از نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، از چندین دیدگاه اهمیت دارد: در مرحله اول، برای نخستین بار مجموعه سفالی به دست آمده از کاوش‌های شهر تاریخی بیشاپور، مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قرار گرفته است؛ دوم، با مطالعه سفالینه‌های به دست آمده و دیگر شواهد موجود از این فصل کاوش، تا حدودی سیمای هنر زیبای سفالگری، با حفظ کاربریشان که در نمونه‌های به شکل مجسمه‌هایی حیوانات یا حجم‌های ترکیبی در این شهر را بازسازی می‌نماید، متبلور گردیده است؛ سوم، تداوم سکونت در چهار مرحله زمانی در دوره‌های ساسانی و سده‌های میانی و متأخر اسلامی مشخص شد.

همچنین تعداد کل قطعات سفال‌های به دست آمده ۷۳۸۴ قطعه بود که ۳۵ درصد به دوره ساسانی، ۴۹ درصد به دوره اسلامی و ۱۶ درصد نیز نامشخص بودند.

۱. تعداد قابل توجه سفالینه‌های بند زده شده، می‌تواند بیانگر استفاده مجدد در سده‌های ۳ تا ۵ هجری باشد (تصویر ۳۲).

در میان سفالینه‌های مربوط به دوره ساسانی ۷۰ درصد بدنه ظروف، ۱۷ درصد کف، ۱۲ درصد لبه و یک درصد دسته ظروف را شامل می‌شد. سفالینه‌های دوره اسلامی نیز ۵۴ درصد بدنه، ۲۷ درصد کف، ۲۰ درصد لبه، ۲ درصد دسته و یک درصد نیز شامل درپوش‌های سفالی بوده است. از نظر تعداد، قطعات مربوط به بدنه ظروف ۴۶۶۲ قطعه بود که ۶۳ درصد کل سفالینه‌ها را تشکیل می‌داد که ۴۲ درصد آن مربوط به دوره اسلامی، ۳۸ درصد دوره ساسانی و ۲۰ درصد نیز نامشخص بودند؛ و در مرحله بعدی قطعات مربوط به کف ظروف، ۱۴۰۷ قطعه بود که ۱۶ درصد کل سفالینه‌ها را تشکیل می‌داد. همچنین ۱۹ درصد کل سفالینه‌ها لعاب‌دار و ۸۱ درصد آنها فاقد لعاب بودند. لعاب‌ها نیز شامل قطعات سفالی با لعاب پاشیده، لعاب سفید رنگ، سبز رنگ، آبی فیروزه‌ای و سفید، زرد مایل به قهوه‌ای و لعاب آبی فیروزه‌ای بودند.

منابع:

الف) فارسی:

- آذرنوش، م. (۱۳۷۵-۷۶). *باستان‌شناسی تاریخ تهران*. نشر دانشگاهی. ش ۱ و ۲.
- توحیدی، ف. (۱۳۸۹). *فن و هنر سفالگری*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خالدیان، س. (۱۳۸۷). تأثیر هنر ساسانی بر سفال دوره اسلامی. *باستان پژوهی*، ۱۶.
- سرفراز، ع. ا. (۱۳۶۶). *کتاب شهرهای ایران*، جلد ۲. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دارک، ک. (۱۳۸۷). *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فیگن، ب. (۱۳۹۰). *سراغاز: درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روش‌ها)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- قره‌داغی قرقشه، م. (۱۳۸۳). *مبانی و مقدمات سفالگری*. تهران: انتشارات رهام.
- کامبخش فرد، س. ا. (۱۳۸۹). *سفال و سفالگری در ایران: از ابتدای نو سنگی تا دوران معاصر*. تهران: انتشارات ققنوس.
- کیانی، م. ی. (۱۳۷۷). *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*. تهران: نسیم دانش.
- گریشمن، ر. (۱۳۷۹). *بیشاپور، ترجمه اصغر کریمی*، جلد اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه).
- مهریار، م. (۱۳۷۸). *پیشینه پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در بیشاپور: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و شهرسازی ایران*، جلد دوم. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- نوروزی، ر. (۱۳۸۴). *مسجد جامع بیشاپور (پنجمین فصل از دور سوم مطالعات باستان‌شناسی بیشاپور)*، مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (اداره کل امور فرهنگی).
- هول، ف. (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی غرب ایران*، ترجمه زهرا باستی. تهران: انتشارات سمت.

ب) غیر فارسی:

- Adams, Robert MC. 1970. Tell Abu Sharifa, A Sassanian – Islamic Ceramic Sequence from Sout Central Iraq. *Ars Orientalis*, 8: 87-119.
- Alden, J. 1978. Excavation at tell Mallian. Iran, 16: 78-86.

Azarnoush, Massoud. 1994. The Sassanian Manour House at Hajiabad, Iran, (Firnze; casa editorice le lettere.

Boucharlat , Remy & E. Hearinck. 1991. The Parthian and Sassanian Periods, Ceramics XLL, in: Encyclopedia Iranica, 4: 304-307.

De CArdi, Beatrice. 1972. Archaeological Survey in Northen Oman, East and West, 25 (1-2): 9-75.

Grant, J., Gorin, S., & Fleming, N. (2005). *The Archaeology Course Book (An Introduction to Study Skills, Topics and Methods)*. London: Routledge.

Keall, Edward, J & Keall, Marguerite. J, The Qalch- I- Yazdigird Pottery. A Statical Approach, Iran. XIX: 33-80.

Kenet, D. 2002. Sassanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia, Iran. XI: 153-162.

Kennet, D. (2002). Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia, Iran (BIPS). 40.

Kervran, M, Fredrik Hiebert. 1984. Sohar per – Islamiae note Strabigraphique. international Archaeologie, East and West.

Ricciardi, Vengo. R. 1970. Sassanian Pottery from Choche (Artisams Quarter) and Tell Barda. VII: 428-435.

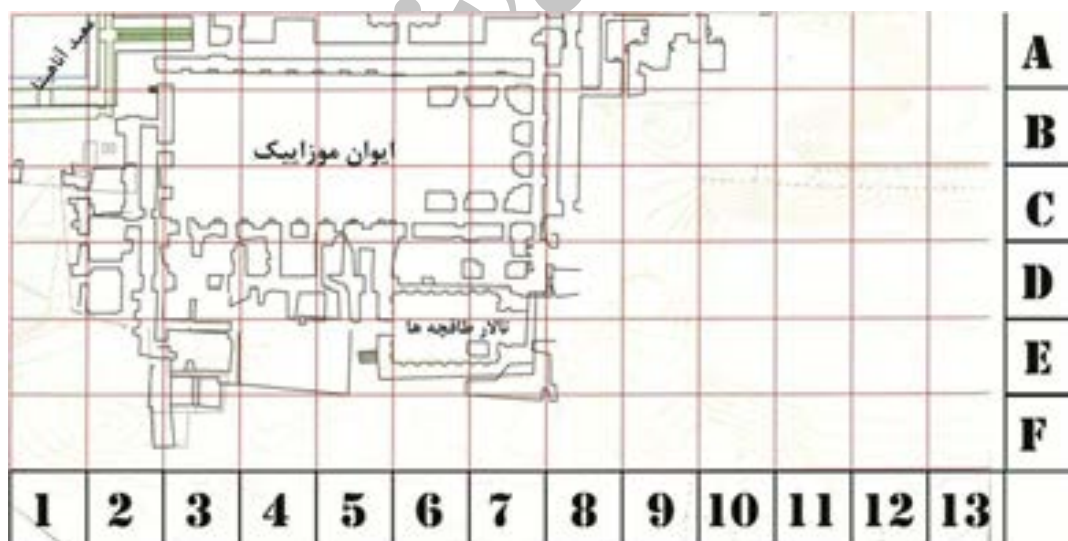
Wilkinson, C. (1971). *Islamic archaeology in Iran, Expedition, spring-summer*, 62-65.

Whitcomb, David. 1984. Qasri-Abunaser, Old Shiraz. in: Arabia Orientale, Mesopotamia et Iran Meridional de lage du far andebat dela period Islamique. Ed, Recherche sules civilization, Paris.

Archive of SID



تصویر ۱- تصویر هوایی بقایای شهر تاریخی بیشاپور، محدوده ارگ شاهی با دایره و بخش‌هایی که در نهمین فصل کاوش شده، با رنگ سیاه مشخص شده است.



تصویر ۲- ایوان موزاییک و وضعیت ترانشه‌ها



تصویر ۳- زمین سفال فصل نهم کاوش



تصویر ۴- نمودار نسبت سفالینه‌های اسلامی به ساسانی



تصویر ۵- کوزه سفالی به دست آمده از دوره ساسانی



تصویر ۶- خمره سفالی به دست آمده از دوره ساسانی



تصویر ۷- نمودار نوع قطعه سفالینه‌های دوره ساسانی



تصویر ۸- کوزه سفالی به دست آمده از دوره اسلامی



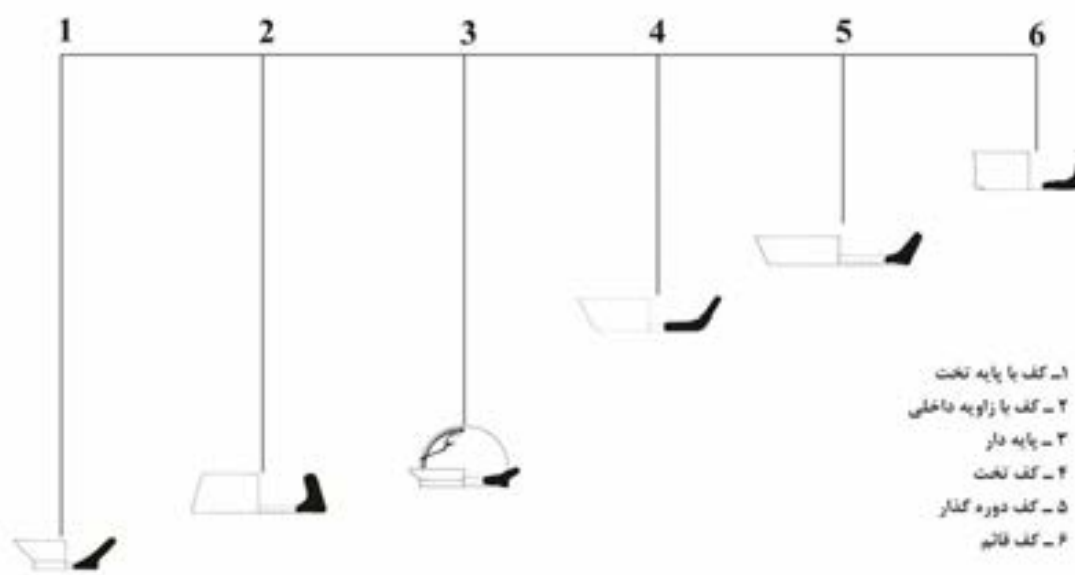
تصویر ۹- کوزه سفالی به دست آمده از دوره اسلامی



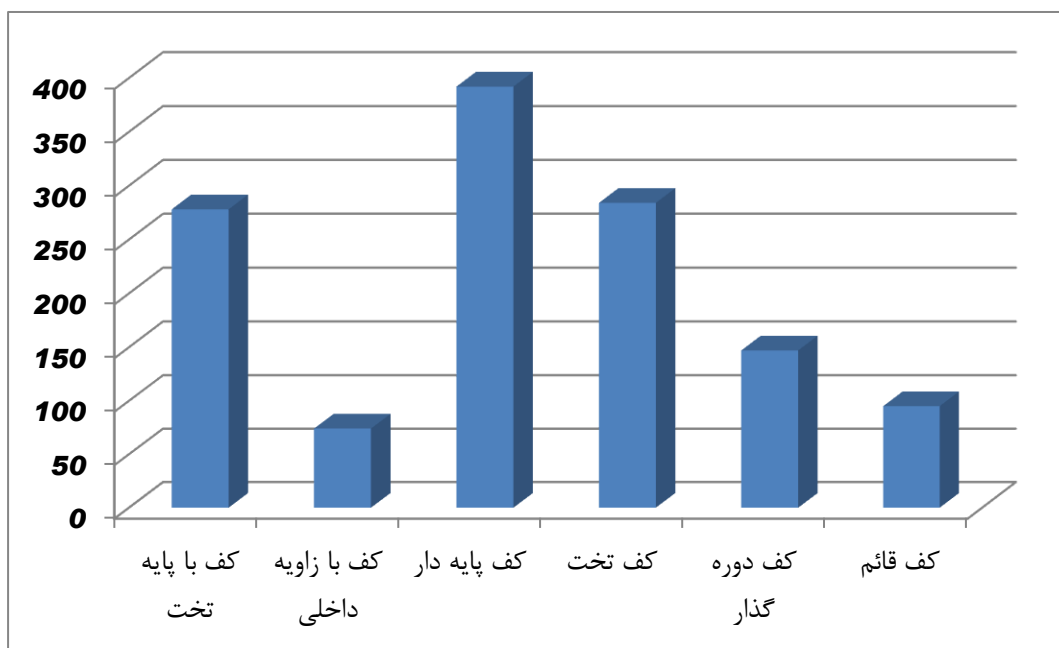
تصویر ۱۰- کوزه سفالی به دست آمده از دوره اسلامی



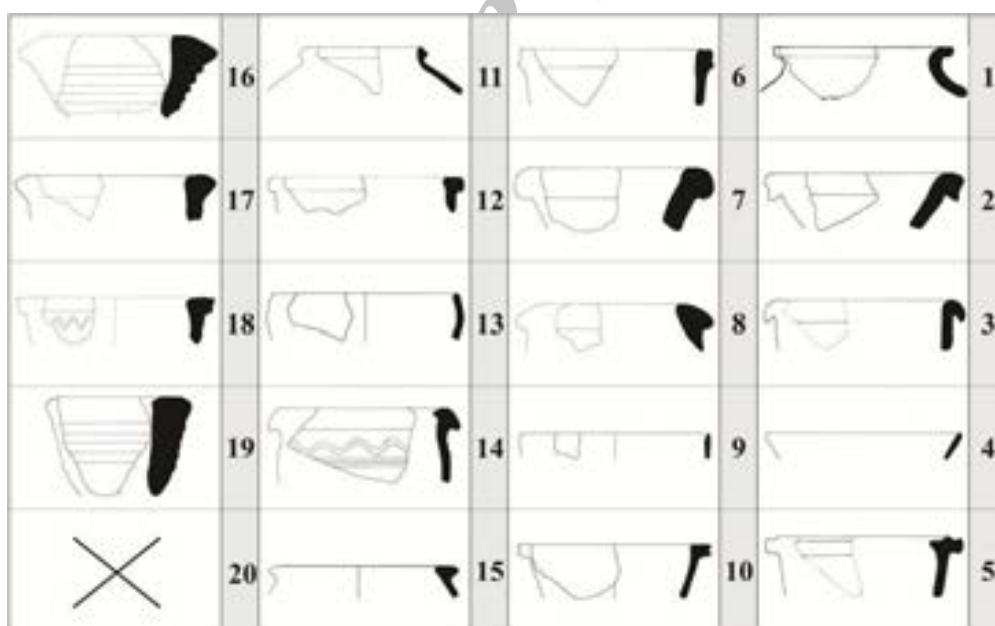
تصویر ۱۱- ظرف جوهر سفالی به دست آمده از دوره اسلامی



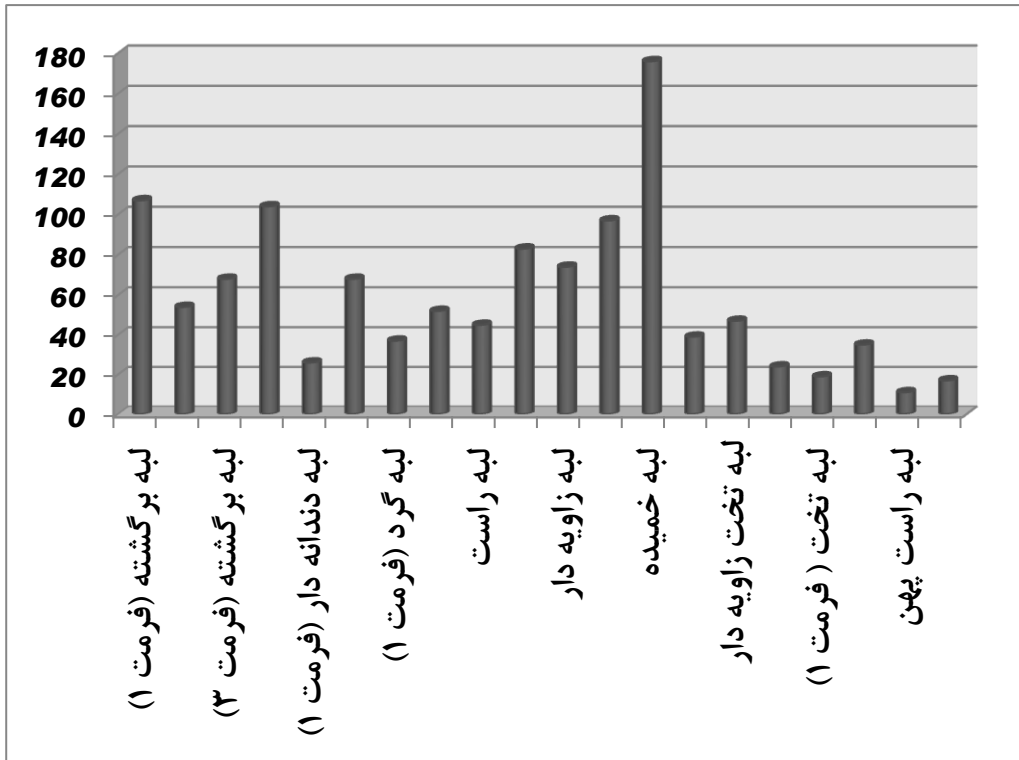
تصویر ۱۲- الگوی پراکندگی کف‌ها، بر اساس ریخت‌شناسی آنها



تصویر ۱۳- نمودار تعداد انواع کف به دست آمده از کاوش فصل نهم



تصویر ۱۴- الگوی پراکندگی لبه‌ها بر اساس ریخت‌شناسی آنها: ۱- لبه برگشته (فرمت ۱)؛ ۲- لبه برگشته (فرمت ۲)؛ ۳- لبه برگشته (فرمت ۳)؛ ۴- لبه کج؛ ۵- لبه دنداندار (فرمت ۱)؛ ۶- لبه دنداندار (فرمت ۲)؛ ۷- لبه گرد (فرمت ۱)؛ ۸- لبه گرد (فرمت ۲)؛ ۹- لبه راست؛ ۱۰- لبه شیاردار؛ ۱۱- لبه زاویه‌دار؛ ۱۲- لبه چهارگوش؛ ۱۳- لبه خمیده؛ ۱۴- لبه با زائده داخلی؛ ۱۵- لبه تخت زاویه‌دار؛ ۱۶- لبه تخت خمیده؛ ۱۷- لبه تخت (فرمت ۱)؛ ۱۸- لبه تخت (فرمت ۲)؛ ۱۹- لبه راست پهن.



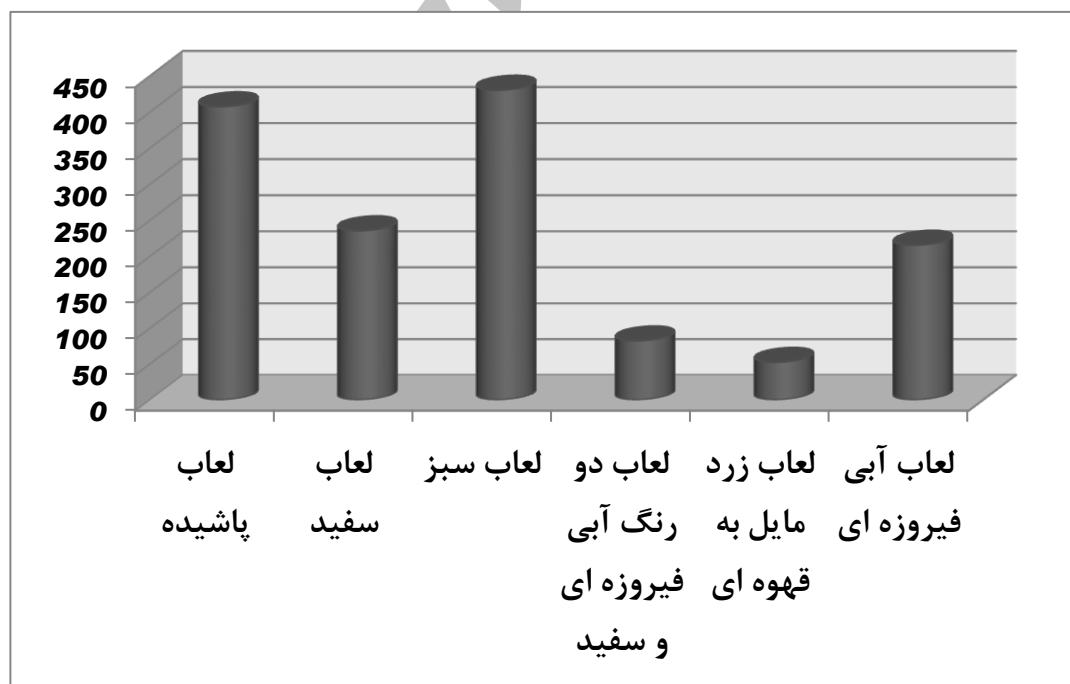
تصویر ۱۵- نمودار تعداد انواع لبه به دست آمده از کاوش فصل نهم



تصویر ۱۶- دسته سفال بدست آمده از دوره اسلامی



تصویر ۱۷- نمودار نسبت سفالینه‌های لعاب‌دار به بدون لعاب



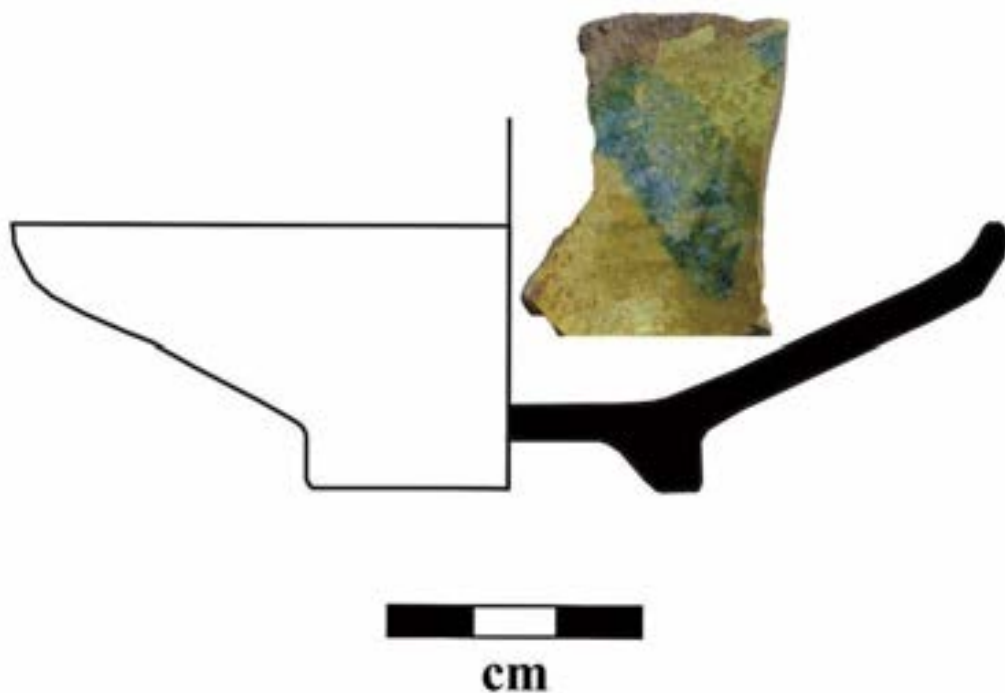
تصویر ۱۸- نمودار تعداد انواع سفالینه‌های لعاب‌دار



تصویر ۱۹ (الف) - سفال با لعاب پاشیده



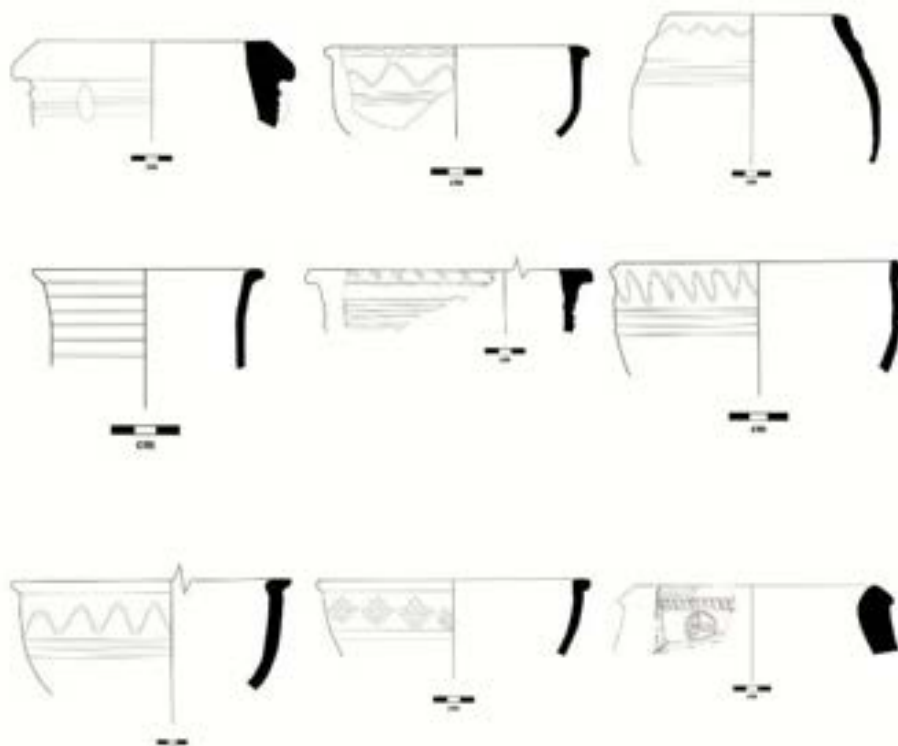
تصویر ۱۹ (ب) - سفال با لعاب پاشیده با نقش کنده



تصویر ۲۰- نمونه یکی از ظروف با لعاب پاشیده



تصویر ۲۱- نمونه یکی ظروف اسلامی منقوش



تصویر ۲۲- نمونه‌هایی از نقوش کنده روی سفال‌های بدون لعاب، به دست آمده از فصل نهم



تصویر ۲۳ (الف) - نمونه یک درپوش سفالی با نقوش نوشتاری که با روش قالبی ساخته شده است.



تصویر ۲۳ (ب) - نمونه یکی از نقوش استامپی



تصویر ۲۴ - نمونه یک قطعه سفالی که با روش قالبی ساخته شده است.

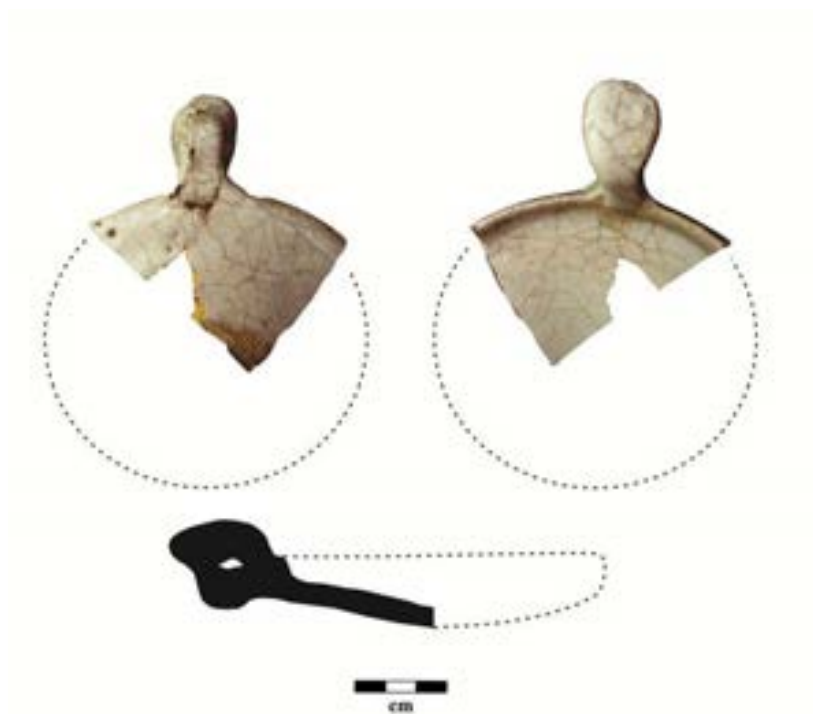


cm

تصویر ۲۵- نمونه یک پی سوز مثلثی شکل



تصویر ۲۶- نمونه یک پی سوز کاسه‌ای شکل



تصویر ۲۷- نمونه یک پی‌سوز نعلبکینی شکل



تصویر ۲۸- نمونه قطعات سفالی که به عنوان دوک، استفاده مجدد یافتند.



تصویر ۲۹- قطعه سفالی زرین‌فام، به دست آمده از کاوش فصل نهم



تصویر ۳۰- ظرف سلادون به دست آمده از کاوش فصل نهم